

اتحاد و اتفاق در جامعه بهائی

منتخباتی از الواح و توابع مبارکه و
دستخط‌های بیت‌العدل اعظم الهی

از انتشارات:

دفتر امور احبای ایرانی/امریکائی

دارالانشاء محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده

۱۹۹۲

مندرجات

| | |
|----|--------------------------------|
| ۱ | مقدمه |
| ۲ | ۱- وحدت |
| ۶ | ۲- وحدت در کثرت |
| ۶ | الف- معنی وحدت بهائی |
| ۶ | ب- تنوع نه اختلاف |
| ۷ | ج- هدف اصلی دیانت بهائی |
| ۸ | ۲- اتحاد شرق و غرب |
| ۸ | الف- پیوستگی احبای شرقی و غربی |
| ۸ | ب- شرق و غرب مکمل یکدیگرند |
| ۹ | ج- نهایت آرزوی حضرت مولی‌الوری |
| ۱۰ | د- وظیفه اهل بهاء |
| ۱۱ | ۴- توصیه‌ای چند |
| ۱۱ | الف- آموختن زبان |
| ۱۱ | ب- پراکندگی احبای ایرانی |
| ۱۱ | ج- 'مهمترین مسئله حیاتی' |
| ۱۲ | د- تبلیغ ملل و اقوام |
| ۱۵ | مآخذ |

مقدمه

مجموعه حاضر منتخباتی است از الواح و توثیقات مبارکه و دستخط‌های معهد اعلی درباره یکی از اصول حیاتی امر بهانی یعنی اتحاد و اتفاق — بین ابناء بشر بطور کلی و در داخل جامعه بهانی بطور اخص.

جامعه بهانی در طول تاریخ یکصد و پنجاه ساله اش بسیاری مسؤلیت‌های سنگین و بی سابقه را بعهده گرفته و هم اکنون نیز وظائف مهم و بدیعی در پیش دارد که از آن جمله تقویت و تحکیم اساس مؤسسات اداری امرالله و تأمین منابع مالی لازم برای اكمال بناهای حول قوس کوه کرمل است. و لکن مهمترین کاری که در مقابل جامعه جهانی بهانی قرار دارد شاید وظیفه‌ای باشد که از بیان بیت‌العدل اعظم الهی در "وعده صلح جهانی" خطاب به مردم عالم ناشی شده است. در آن بیانیه تاریخی معهد اعلی تجربه جامعه بهانی را بعنوان نمونه و مثالی برای تحقق وحدت عالم انسانی ارائه فرموده‌اند. بنابراین رفتار و کردار ما بهانیان باید معرف این حقیقت باشد که اصل "وحدت عالم انسانی" تنها یک تفکر شاعرانه و عرفانی یا حتی صرفاً هدف یک مکتب اجتماعی و انسان دوستانه نیست، بلکه همچنان که در آثار مقدسه بهانی تصریح شده اصلی است کلی که بر روابط ضروریه حقایق اشیاء استوار است و رفاه و آسایش مردمان بر آن متکی است. باید اعمال ما نیروی خلاقه کلام الهی را ثابت کند و نشان دهد که این آئین یزدانی قادر است حیات جامعه بشری را دیگرگون نماید و انسان سرگردان و مستأصل را به سوی رستگاری رهنمون گردد، و این میسر نشود مگر آنکه فرد یاران کوششی فوق‌العاده نمایند تا ریشه تعصبات در قلوب همگان نابود شود و مهر و صفا و برادری و یگانگی جانشین آن شود. به این ترتیب جامعه پیروان اسم اعظم برآستی نمونه و سرمشقی برای ایجاد وحدت و همبستگی در عالم انسانی خواهد بود.

تنوع در جامعه بهانی رو به فزونی است. هر روز تعداد اقوام و ملل مختلفی که در ظل لوای امرالله وارد شده‌اند افزایش می‌یابد و این باغ پر گل و ریاحین زیباتر و دلپذیرتر می‌شود. جامعه بهانی ایالات متحده امریکا نیز از این قاعده مستثنی نیست. این ازدیاد تنوع که موجب غنای فرهنگی جامعه می‌شود ایجاب میکند که هر یک از ما مهارت‌های لازم را برای گسترش محبت و اتفاق و همکاری و همیاری بدست آوریم. یکی از مؤثرترین راه‌های کسب آن مهارت‌ها همکاری در فعالیت‌های تبلیغی است. کوشش در راه نشر نفعات طیبیه امر اعظم آن محیی رم قلوب را بهم نزدیک می‌نماید و جدائی‌ها را از میان برمی‌دارد.

بیاناتی که در این مجموعه گردآوری شده می‌تواند نقطه شروعی برای مطالعات یاران رحمانی در زمینه ایجاد وحدت و اتفاق باشد. اگر چه بیاناتی که در نیمه انگلیسی مجموعه ملاحظه می‌شود عیناً ترجمه بیاناتی که در نیمه فارسی آمده نیست و لکن بطور کلی موضوع‌ها مشابه است. امید است که مورد استفاده اجبای الهی باشد.

۹- وحدت

قلب عالم از کلمه الهیه مشتمل است حیف است به این نار مشتمل نشوید انشاءالله امیدواریم که لیلۀ مبارکه را لیلۀ الاتحادیه قرار دهید و کلّ با یکدیگر متحد شوید و بطراز اخلاق حسنة مدوحه مزین گردید ... و در میانه عباد بقسمی رفتار کنید که آثار حقّ از شما ظاهر شود چه که شما نید اول وجود و اول عابدین و اول ساجدین و اول طائفین.

(منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله ص ۲۰۲)

قد خلقناکم من شجرة واحدة و جعلناکم من اوراق شجرة واحدة و اثمار شجرة واحدة لعلکم اتمّ بعضهم ببعض لتسکنون لا تنظرن الی غیرکم الاّ بما تنظرن الی انفسکم لئلاّ يظهر بینکم من کره ... و لتکوئن کلکم امة واحدة ...

(منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی عزّ اسه الاعلیٰ، ص ۹۲)

باید احبای الهی متحد و متفق شوند. در ظلّ علم واحد محسوس شوند و به رأی واحد مخصوص گردند و به مشی واحد سلوک نمایند و به فکر واحد تشبّث کنند. آراء مختلفه را فراموش نمایند و افکار متفاوته را نسیان فرمایند زیرا الحمدلله مقصد مقصد واحد است و مطلوب مطلوب واحد کلّ بنده یک آستانیم و شیرخوار یک پستان، در ظلّ یک شجرة مبارکه ایم و در سایه یک خیمه مرتفعه.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۲۲۲)

حال وقت آنست که احبای الهی رایت وحدت را بلند نمایند و آیت الفت را در مجامع وجود تلاوت کنند و کلّ را بر احدیت فیض الهی دلالت نمایند تا آنکه خباء تقدیس در قطب امکان بلند گردد و جمیع امم را در ظلّ کلمۀ توحید درآرد. این موهبت وقتی در قطب اکوان جلوه نماید که احبای الهی بموجب تعلیمات رحمانیه قیام کنند و به نشر رائحة طیّبه محبت عمومیه پردازند.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۱۸-۱۹)

امروز اعظم مواهب الهیه اتحاد و اتفاق احباست تا این اتحاد و اتفاق سبب ترویج وحدت عالم انسانی گردد و جهان از این ظلمت شدید بنض و عدوان رهائی یابد و شمس حقیقت بنهایت اشراق بتابد.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۱۰۱)

اليوم قوة محرّكة عالم وجود قوة پيمانست که مانند شريان در جسم امکان نابض است و سبب محافظه وحدت بهانی. بهانیان مأمور که تاسیس وحدت عالم انسانی نمایند. اگر خود در نقطه‌ای اجتماع نکنند چگونه سبب وحدت عالم انسانی شوند؟

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۲۰۲)

امروز اهمّ امور اتحاد و اتفاق احبّای الهی است که با یکدیگر يك دل و يك جان شوند. تا توانند مقاومت خصومت اهل عالم کنند و تمصّبات جاهلیه ملل و مذاهب را ازاله نمایند هر فردی از افراد بشر را تفهیم نمایند که کلّ بار يك دارید و برگه يك شاخسار. ولی تا نفس احباء اتحاد و اتفاق کلی نیابند چگونه توانند که احزاب سائره را به اتحاد و اتفاق بخوانند؟

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۲۱۷)

ما نره جبره صغی ۲۷

پس یاران الهی در کمال تنزیه بنهایت اتحاد و اتفاق روحانی قیام نمایند بدرجه‌ای که حکم يك روح و يك وجود حاصل کنند. در این مقام اجسام را مدخلی نیست بلکه در کف قدرت روحت چون روح محیط گردد اتحاد حاصل شود.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۱۹۸)

نظر را پاک نمایند و نوع بشر را برگه و شکوفه و ثمر شجر ایجاد مشاهده کنند. همیشه به این فکر باشند که خیری به نفسی رسانند و محبت و رعایتی و مودت و اعانتی به نفسی نمایند.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۲۰۱)

عليکم بالاتحاد و الاتفاق علیکم بالاتلاف و الارتباط حتی تكونوا کنجوم الثريا او عقود الدزاری النوراء متحدین الاجسام و الارواح. بهذا يتأسس بنيانکم و يلوح برهانکم و تبهر نجومکم و تنتمش نفوسکم.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۸۲)

ای یاران این مظلوم، نظر را از مشاهده غیر پاک ننابید. بیگانه نبینید بلکه جمیع را آشنا دانید زیرا، با وجود ملاحظه بیگانگی محبت و یگانگی مشکل است. و در این دور بدیع بنصوص الهی باید با جمیع طوائف و ملل یگانگی نمود و نظر به عنف و شدت و سوء نیت و ظلم و عداوت نمود بلکه به افق عزت قدیمه باید نظر کرد که این کائنات هر يك

آیتی از ربّ الایاتند و به فیض الهی و قدرت ربّانی به عرصه وجود قدم نهادند. لهذا آشنا هستند نه بیگانه یار هستند نه اغیار. و به این نظر باید معامله نمود.

پس یاران باید در نهایت مهربانی و محبت با دوست و بیگانه هر دو الفت و محبت نمایند و ابدأ نظر به استحقاق و استعداد نکنند.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۱۲۲)

الحمد لله الیوم نورانیت کلمه الله بر جمیع آفاق اشراق نموده و از هر فریق و طوائف و ملل و شعوب و قبائل در ظلّ کلمه وارد و در نهایت اتلاف مجتمع و متحد و متفقند. چه بسیار محافل تشکیل گردد و به ملل و طوائف و قبائل مختلفه تزیین یابد. اگر نفسی وارد محفل گردد حیران ماند، گمان کند که این نفوس از وطن واحده و ملت واحده و طائفة واحده و افکار واحد و اذکار واحد و آراء واحدند و حال آنکه یکی اهل امریک است و دیگری از اهالی افریک، یکی از آسیاست و دیگری از اروپا، یکی از هندوستانست و دیگری از ترکستان، یکی عرب است و دیگری تاجیک، یکی ایرانیست و دیگری یونانی. با وجود این در نهایت الفت و یگانگی و محبت و آزادگی و وحدت و فرزاندگی با هم دمساز و هم آواز و همداستاند.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۱۲۸)

جمال مبارک میفرمایند: "همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار". عالم وجود را به یک شجر و جمیع نفوس بمنزله اوراق و ازهار و اثمار تشبیه فرمودند. لهذا باید جمیع شاخه و برگ و شکوفه و ثمر در نهایت طرواوت باشند و حصول این لطافت و حلالت منوط به ارتباط و الفت است.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۱۱)

امیدواریم که دیگران نیز چشمی روشن و گوشه شنوا یابند و به حیات ابدیه فائز گردند تا این نهرها که در مجاری متعدده مختلفه الشکل جاری راجع به محیط اعظم شوند، یک بحر گردند و یک موج زنند و ارتباط و اتحاد تام حاصل نمایند. تا وحدت حقیقت بقوه الهیه این اختلاف مجاز را از میان بردارد. و اساس اصلی اینست. اگر این حاصل گردد مسائل سائره بالطبیعه زائل شود.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۱۲۸)

فی الحقیقه یاران هنوز نیاموخته‌اند که از محبتی که به یکدیگر دارند برای تقویت و تسلی خاطر در هنگام احتیاج چگونه استفاده کنند. امر الهی دارای قدرت عظیمی است و علت اینکه یاران پیش از این از آن استفاده نمیکنند اینست که هنوز نمیدانند چگونه از این نیروی عظیم محبت، قدرت، و اتفاق و هماهنگی که این امر اعظم ایجاد کرده است بهره برند.

(ترجمه قسمتی از ابلاغیه مورخ ۸ مه ۱۹۶۲ که حسب الامر حضرت ولی امرالله یکی از احباء مرقوم گردیده است، حیات بهائی ص ۲۰-۲۱)

ملاحظه کنید که حضرت آدم و سائرین در جنت بودند بمجرد آنکه در جنت عدن در میان حضرت آدم و شیطان نزاعی حاصل گشت جمیع از جنت خارج شدند تا نوع انسان عبرت گیرد و آگاه شود که نزاع و جدال سبب حرمان است حتی با شیطان لهذا در این عصر نورانی بموجب تعالیم الهی حتی با شیطان نزاع و جدال جانز نه.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالجبار ص ۲۶۵)

۲- وحدت در کثرت

الف- معنی وحدت بهائی

الحمد لله قلوب اجباء متحد و متفق است ولو یکی شرقی و یکی غربی، یکی جنوبی یکی شمالی، یکی آلمانی و یکی فرانسوی، یکی ژاپنی یکی امریکائی، یکی ابیض یکی اسود یکی احمر یکی اصفر یکی اسمر. اختلاف الوان و اختلاف اوطان و اختلاف اجناس در امر بهائی حکمی ندارد بلکه وحدت بهائی بر کلّ غالب، جمیع این اوهمات را زائل مینماید.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۱۱۰)

ب- تنوع نه اختلاف

فی الحقیقه عالم انسانی یک خاندان و یک سلاله است بحسب اختلاف مناطق بمروور دهور الوان مختلف شد در ممالک حاره از شدت تأثیر آفتاب بمروور احقاب جنس اسود پیدا شد و در مناطق شمالی از شدت سرما و عدم تأثیر حرارت بمروور دهور جنس ابیض پیدا شد در منطقه متوسطه جنس اصفر و جنس اسمر و جنس احمر حاصل گشت اما فی الحقیقه نوع بشر یک جنس است چون جنس واحد است البته باید اتحاد و اتفاق حاصل گردد نه اختلاف و ابتعاد سبحان الله حیوان با وجود آنکه اسیر طبیعت است و طبیعت بتمامه حاکم بر آن است باز اهمیتی به الوان نمیدهد مثلاً ملاحظه مینمائی که کبوتران سیاه و سفید و زرد و آبی و الوان مختلفه با یکدیگر در کمال اتلاف ابدأ اهمیت به الوان نمیدهند و همچنین اغنام و بهائم با وجود اختلاف الوان در نهایت محبت و اتحادند ولی انسان عجیب است که الوان را مایه نزع قرار داده و در میان سفید و سیاه نهایت بعد و اختلاف است چون بگلستان درآئیم ملاحظه نمائیم که این گلهای رنگارنگ چقدر جلوه دارد اختلاف الوان زینت گلستان است اگر یک رنگ باشد جلوه ندارد زینت گلستان در این است که گلهای رنگارنگ باشد پس معلوم شد که اختلاف الوان زینت عالم انسان است پس نباید سبب اختلاف گردد.

امیدوارم که شما سبب شوید و بجان بکوشید که در میان سیاه و سفید الفت و محبت حاصل گردد.

(حضرت عبدالبهاء، پیام ملوک ص ۵۶-۵۷)

اگر معترضی اعتراض نماید که طوائف و امم و شعوب و ملل عالم را آداب و رسوم و اذواق و طبایع و اخلاق مختلف و افکار و عقول و آراء متباین با وجود این چگونه وحدت حقیقی جلوه نماید و اتحاد تامّ بین بشر حاصل گردد؟ گوئیم اختلاف بدو قسم است؛ یک اختلاف سبب انعدام است و آن نظیر اختلاف ملل متنازعه و شعوب متباززه که یکدیگر را محو نمایند و خانمان براندازند و راحت و آسایش سلب کنند و خونخواری و درندگی آغاز نمایند. و اختلاف دیگر که

عبارت از تنوع است آن عین کمال و سبب ظهور موهبت حضرت ذوالجلال. ملاحظه نمائید گلهای حدائق هر چند مختلف النوع و متفاوت اللون و مختلف الصور و الاشکالند ولی چون از يك آب نوشند و از يك باد نشو و نما نمایند و از حرارات و ضیاء يك شمس پرورش نمایند آن تنوع و اختلاف سبب ازدیاد جلوه و رونق یکدیگر گردد ... و همچنین این تنوع و اختلاف چون تفاوت و تنوع فطری خلقی اعضاء و اجزای انسانست که سبب ظهور جمال و کمال است و چون این اعضاء و اجزای متنوعه در تحت نفوذ سلطان روح است و روح در جمیع اعضاء و اجزاء سریان دارد و در عروق و سریان حکمرانست این اختلاف و تنوع مؤید اتلاف و محبت است و این کثرت اعظم قوه وحدت.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء ص ۲۷۹-۲۸۰)

چ- هدف اصلی دیانت بهائی

بگذارید راجع به مقصد اصلی شریعت جهانی حضرت بهاءالله شك و ظنی در دلها راه نیابد. زیرا آئین بهائی نه تنها قصد ندارد که اساس اجتماع موجود را متلاشی سازد بلکه میخواهد بنیانش را وسعت بخشد و مؤسسات آنرا متناسب و موافق با احتیاجات دنیائی دائمالتغییر دوباره شکل دهد. با هیچ پیوندی تعارض ندارد و به تضعیف هیچ تبعیثی نمیپردازد. قصد ندارد شعله میهن پرستی راستین و خردمندانه را در دلهای نفوس خاموش سازد یا نظام استقلال ملی را که برای دفع مفاسد و معایب تمرکز افراطی ضرورت دارد، از میان بردارد. تفاوت در نژاد، آب و هوا، تاریخ، زبان و سنت، طرز فکر و عادت که ملل و نحل عالم را گونهگون ساخته نادیده نمیگیرد و در صدد محو و نابودی آنها بر نمیآید. منادی وفاداری وسیعتر و آمالی گستردهتر از آنچه تاکنون نسل بشر را الهام بخشیده میباشد. تاکید بر آن دارد که منافع و انگیزههای ملی باید تابع احتیاجات مبرم جهانی متحد شود. از يك سو تمرکز افراطی را در نظام جهانی مردود می شمارد و از سوی دیگر هر نوع تلاش برای یکنواختی و همانندی را رد میکند ... شعار آئین بهائی وحدت در کثرت است (ترجمه).

(حضرت ولی امرالله، هدف نظم بدیع جهانی ص ۲۲-۲۴)

۳- اتحاد شرق و غرب

الف- پیوستگی اجزای شرقی و غربی

امشب من نهایت سرور دارم که در همچو مجمع و محفل وارد شدم. من شرقی هستم، الحمدلله در مجلس غرب حاضر شدم و جمعی میبینم که در روی آنان نور انسانیت در نهایت جلوه و ظهور است و این مجلس را دلیل بر این میگیرم که ممکن است ملت شرق و غرب متحد شوند.

... باری کائنات عموماً عالم هر يك منفرداً زندگی میتوانند. هر شجری منفرداً نشو و نما نماید بدون اینکه از سایر اشجار مستفید شود. همچنین حیوان منفرداً زندگی تواند، ولكن انسان ممکن نیست. نوع انسان محتاج تعاون و تعاضد است، محتاج مراد و اختلاط است تا کسب سعادت و آسایش کند و راحت و آرایش یابد. مثلاً اگر میان دو قریه ارتباط تام حاصل شود سبب منفعت کلیه و ترقی گردد و همچنین میان دو شهر چون تعاون و تعاضد حاصل شود سبب ترقی و آسایش گردد پس اگر میان دو اقلیمی ارتباط تام و تعاون و تعاضد کامل حاصل گردد شبهه‌ای نیست مزید ترقیات و فوائد عظیمه شود.

حال این محفل نورانی الحمدلله سبب اتحاد شرق و غرب است اساس تعاون و تعاضد دو ملت است از این معلوم میشود که منافع و فوائد عظیمه حاصل خواهد شد یعنی در ایران مدنیت مادیه رواج و شیوع یابد و ابواب تجارت برای امریکا باز خواهد شد و یقین است سبب ترقی و منفعت طرفین گردد و این ارتباط اعظم وسیله حصول محبت بین ملل شرق و غرب شود. حضرت بهاءالله در ایران شصت سال پیش اساس چنین محبتی گذاشت و اعلان وحدت عالم انسانی فرمود و خطاب به نوع انسان نمود که "همه بار يك دارید و برگه يك شاخسار" و فرمود که نوع انسان عبارت از يك عائله است و جمیع بشر عبارت از يك جنس لهذا امید چنان است که ملت ایران و امریکا يك ملت و يك جنس و يك طائفه و يك عائله گردند تفاوتی در میان نماند

(مجموعه خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء ص ۲۲۲-۲۲۵)

ب- شرق و غرب مکمل یکدیگرند

مراد و مقصود اینست بلکه انشاءالله ارتباطی ما بین شرق و غرب حاصل شود، محبت الهیه جهتین را احاطه کند، نورانیت الهیه هر دو اقلیم را روشن نماید، نفحات روح القدس جمیع را زنده کند.

(مجموعه خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء ص ۲۲۲)

برماست که از برادران شرقی خود تعظیم شعائر امری، از خود گذشتگی، اطاعت بی‌چون و چرا و اخلاص تام نسبت به امر الهی را بیاموزیم، آداب و خصوصیات بی‌س جلیل که اهل غرب باید آن را سرمشق خود قرار دهند. متقابلاً میتوان اصل تمسک به مبادی اساسیه، حسن تدبیر و تمشیت امور و شوق و همت در انجام کار را به آنان عرضه نمود* (ترجمه).

(کتاب The Light of Divine Guidance جلد ۲، ص ۱۰۱)

ج- نهایت آرزوی حضرت مولی‌الوری

در ایران بین احزاب و ادیان اختلافات شدید بوده حضرت بهاء‌الله در ایران تأسیس مدنیت روحانیه فرمود مابین امم مختلفه الفت داد وحدت عالم بشر ترویج کرد اعلان علم صلح اکبر نمود و در این خصوص به جمیع ملوک نامه‌های مخصوص نوشت و در شصت سال پیش به رؤسای روحانی ابلاغ فرمود لهذا در شرق مدنیت روحانیه در ترقی است و وحدت انسانی و صلح امم بتدریج در ترویج. امیدوارم که این تأسیس وحدت عالم انسانی در نهایت قوت ظاهر شود تا شرق و غرب با یکدیگر در نهایت التیام آیند ارتباط تام پیدا کنند قلوب شرق و غرب به یکدیگر متحد و منجذب شود وحدت حقیقی جلوه نماید نور هدایت بتابد تجلیات الهیه روز بروز دیده شود تا عالم انسانی آسایش کامل یابد و سعادت ابدیه بشر مشهود شود قلوب بشر مانند آینه گردد انوار شمس حقیقت در او تابیده شود. لهذا خواهش من اینست که شماها بکوشید تا آن نور حقیقت بتابد سعادت ابدیه عالم انسانی ظاهر شود. من درباره شما دعا میکنم که این سعادت ابدیه را حاصل کنید. من چون به این شهر آمدم بسیار مسرور شدم که اهالی فی الحقیقه استعداد مواهب الهیه دارند و قابلیت مدنیت آسمانی. لهذا دعا میکنم که به جمیع فیوضات رحمانیه فائز شوید. پروردگارا یزدانا مهربانا این بنده تو از اقصی بلاد شرق به غرب شتافت که شاید از نفعات عنایات مشامهای این نفوس معطر شود نسیم گلشن هدایت بر این ممالک بوزد نفوس استعداد الطاف تو یابند قلوب مستبشر به بشارت تو گردند دیده‌ها مشاهده نور حقیقت نماید گوشها از ندای ملکوت بهره و نصیب گیرد. ای پروردگار دلها را روشن کن ای خداوند مهربان قلوب را رشک گلزار و گلشن فرما ای محبوب بیهتا نفعات عنایت بوزان انوار احسان تابان کن تا دلها پاک و پاکیزه شود از تأییدات تو بهره و نصیب

* پراکندگی احبای ایرانی بمنوان پناهنده به نقاط مختلف غرب فرصت بی‌نظیری ایجاد نموده است تا جامعه جهانی بسط و توسعه یابد و تعظیم شعائر امری، از خود گذشتگی، اطاعت بی‌چون و چرا و اخلاص تام نسبت به امر الهی را با اصل تمسک به مبادی اساسیه، حسن تدبیر و تمشیت امور و شوق و همت در انجام کار توأم سازد.

بعلاوه، این پراکندگی و تفرق وسیله بی‌سابقه‌ای برای اثبات تعهد جامعه جهانی به اصل وحدت عالم انسانی است که با اتکاء بر آن می‌توان سرنه‌ای چشمگیر از وحدت و الفت بین ملل و اجناس مختلف را به این جهان مشتت و از هم گسیخته ارائه داد. (ترجمه)

از نامه در تبلیغ بین‌المللی مورخ ۲۲ اکتبر ۱۹۸۶ خطاب به دکتر سیروس نزائی مشاور خارهای در استرالیا و ایتانوس آرام

گیرد این جمع راه تو پویند راز تو جویند روی تو بینند خوی تو گیرند. ای پروردگار الطاف بی پایان ارزان فرما کنج هدایت رایگان کن تا این بیچارگان چاره یابند تویی مهربان تویی بخشنده تویی دانا و توانا

(مجموعه خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء ص ۲۲۰-۲۲۲)

د- وظیفه اهل بهاء

حال تکلیف شماها دیگر است چه که مطلع بر اسرار الهی شدید چشم بینا و گوش شنوا دارید لهذا باید با عموم در نهایت مهربانی معامله ننائید هیچ عذری ندارید زیرا رضای الهی را دانستید که در خیر و صلاح عموم است نصایح حق را شنیدید و بیانات و تعالیم الهیه را استماع نمودید که باید به جمیع حتی به دشمنان دوستی و محبت ننائید بدخواهان را خیر خواه باشید و مخالفان را یار موافق گردید. پس بموجب این تعالیم عمل ننائید بلکه این ظلمات حرب و جدال زائل شود نورانیت الهیه جلوه نماید شرق منور گردد غرب معطر شود جنوب و شمال دست در آغوش یکدیگر نمایند و امم عالم در نهایت محبت با هم معاشرت و الفت یابند. تا باین مقام نرسند عالم انسانی راحت نیابد، سعادت حاصل نشود، اما اگر بموجب این تعالیم مقدسه عمل ننمایند عالم ناسوت آینه ملکوت گردد روی زمین جنت ابهی و غبطة فردوس برین شود. امیدوارم موفق بر عمل بتعالیم شوید تا چون شمع به عالم انسانی روشنی بخشید و مانند روح جسم امکان را بحرکت آرید. اینست عزت ابدی اینست صورت و مثال الهی که شما را به آن وصیت مینمایم و امید چنان که به آن موفق شوید.

(مجموعه خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء ص ۶۶۱-۶۵۰)

۴- توصیه‌های چند

الف- آموختن زبان

مبلیغینی که باطراف میروند باید لسان هر مملکتی که داخل میشوند بدانند مثلاً نفسی که در لسان ژاپون ماهر به مملکت ژاپون سفر نماید نفسی که در لسان چینی ماهر به مملکت چین شتابد و علی هذا المنوال*

(قرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء ص ۶۱-۶۲)

ب- پراکندگی احبای ایرانی

از جمله آن وظایف مقدسه آنکه احباء عزیز ایران در بلاد خارجه محلّ استقرار خویش را با مشورت محافل و مؤسسات امریه در نقطه‌ای معین نمایند که جهت تأسیس و تقویت امرالله در آن کشور لازم است. باید در میدان مهاجرت در هر کشور پیش قدم شوند نه آنکه در پی اقوام و دوستان خویش بی‌خبر از مقتضیات و حوائج امرالله در يك نقطه مجتمع شوند. الحمدلله ببرکت اسم اعظم اهل بهاء چنان وحدت و محبتی به یکدیگر یافته‌اند که نسبتهای ظاهره حتّی دانستن زبان و تشابه آداب و رسوم نیز در روابط معنویّه آنان که منبعث از ایمان بامرالله است خالی وارد نسازد. لهذا اجتماع یاران ایرانی در يك نقطه ضرورت ندارد و چه بسا تولید مشکلات نماید چنانکه اگر ایرانیان بهائی از لحاظ تعداد بر یاران محلی غلبه نمایند نادانسته مشکلاتی را بوجود آورند که احياناً باعث توقّف و تاخیر پیشرفت امر مبارک در آن نقطه گردد و آئین جهان‌گشای جمال ابهی را در نظر نفوس سائره امری محدود و مخصوص ایران و ایرانیان جلوه دهد و باعث تضییع وقت و دلسردی یار و اغیار شود و در چنین حالی نه ایرانیان عزیز حظّی از اقامت خویش در آن بلاد برند و نه چنانکه باید و شاید خدمتی به آستان الهی فرمایند. لهذا تقاضای این مشتاقان چنان است که حتّی المقدور در ممالک و بلاد و مدن و قرانی توطّن اختیار فرمایند که جزو اهداف مهاجرت باشد و از آن ممرّ فایده‌ای در تقویت بنیان امرالله عاید گردد. باید یکدیگر را بر مهاجرت و تشّت تحت نقشه‌های تبلیغی در هر کجا تشویق نمایند و حتّی راحت و سروری را که از مصاحبت و مجالست با یکدیگر طلبند فدای مصالح کلیّه امرالله سازند.

(منتخباتی از پیامهای عمومی بیت‌العدل اعظم الهی خطاب به یاران ایرانی ص ۸۸-۸۹)

ج- "مهمترین مسئله حیاتی"

اما تعصب جنسی* که قریب یکقرن در عروق و شرانین مردم امریک نفوذ نموده و ارکان و جوارح اجتماع را سست و

متزلزل ساخته فی الحقیقه مهمترین مسئله حیاتی است که جامعه بهائی در مرحله کنونی ترقی و تکامل خویش با آن مواجه است این امر خطیر که یاران امریک نسبت بحلّ رضایتبخش آن هنوز توفیق کامل حاصل ننموده‌اند بدرجه‌ای حائز اهمیت است که فوق آن قابل تصوّر نه و بهمین لحاظ مستلزم آنست که نسبت بدان اهتمام بلیغ مبذول و استقامت و پایداری و شهامت و فداکاری و حسن تدبیر و همدردی و توجه و هشیاری وفیر معمول گردد. دوستان رحمانی از سفید و سیاه وضیع و شریف پیر و برنا یاران قدیم و جدید که در ظلّ آئین الهی مستظلّ و به این نام پر افتخار معروف و مشتهرند باید کلّ در این امر مهمّ شرکت نمایند و هر یک بر حسب ظرفیت و استعداد و تجربه و مقدورات خویش به این وظیفه عمومی یعنی تنفیذ وصایای حضرت عبدالبهاء و تحققّ آمال و نوایای عطیة آن مولای خون و اتباع از حیات مقدّسش که مثل اعلائی تعلیم مقدّسه ربّانیّه است مبادرت ورزند و بذل هر گونه سعی و مجاهدت نمایند. هیچک از افراد بهائی اعمّ از سیاه و سفید نمیتواند خود را بحقّ و حقیقت از این تکلیف شدید معاف شمارد و مدعی گردد که امیال و مقاصد آن قائد آسمانی را کما هو حقّه به منصّه ظهور رسانده و بجان و وجدان در پی اقدام مبارکش متحرک و پویان است. در حقیقت راهی بس طویل و دشوار که ملوّ از مخاطر و مہابط بشمار است هنوز در مقابل رافعان لوای اسم اعظم و پیروان امر آن محیی رمم از سیاه و سفید باقی است که باید به قدم صبر و استقامت پیسوده شود. فی الحقیقه نفوذ معنوی و غیر محسوسی که لازمه نصرت و موفقیت روحانی یاران امریک و تقدّم و پیشرفت آنان در مشروع جلیلی است که اخیراً بدان مبادرت نموده تا میزانی که قلبی از بین ایشان تصوّر و تدبّر آن را توانند نمود ظهور و پیدایشش موکول به مراحل است که در این سبیل طیّ طریق نموده همچنین روش و طریقه‌ای که برای وصول به این منظور در پیش گرفته‌اند.

(ظهور عدل الهی ص ۶۹-۷۱)

در این مقام جمال اقدس ابهی جلّ ذکره الاعلی میفرمایند "ای اهل بینش آنچه از سماء مشیت الهیه نازل گشته علّت اتحاد عالم و الفت و یگانگی امم بوده از اختلافات جنسیّه چشم بردارید و کلّ را در پرتو وحدت اصلیه ملاحظه ننائید" (ترجمه). همچنین "مقصودی جز ارتفاع کلمه الله و اصلاح عالم و نجات امم نبوده و نیست". "جمیع ملل باید در ظلّ امر واحد و شریعت واحد در آیند و جمیع ناس چون برادر مهر پرور گردند روابط محبت و اتحاد در بین ابناء بشر مستحکم شود و اختلافات و منازعات جنسیّه و مذهبیّه کلّ محو و زائل گردد" (ترجمه). همچنین از فم اطهر حضرت عبدالبهاء این بیان رفیع صادر "جمال مبارک میفرمایند اجناس و الوان مختلفه موجب جلوه و جلال و هماهنگی عالم امکان است کلّ باید در این بوستان عظیم انسانی چون گلهای رنگارنگ بنهایت الفت و اتحاد پرورش یابند و فارغ از هر گونه نفرت و اختلاف با یکدیگر دمساز و مالوف گردند" (ترجمه) و نیز می‌فرمایند "حضرت بهاء الله هنگامی مردم سیاه را به

مردمك سیاه چشم که حول آنرا سفیدی احاطه نموده تشبیه فرموده‌اند در این مردمك سیاه همواره انعکاسی از صور اشیاء که در برابر آن واقع مشاهده گردد و از آن رو انوار و تجلیات روح ظاهر و نمایان شود" (ترجمه). و در مقام دیگر مذکور "خداوند امتیازی بین سفید و سیاه نمیگذارد اگر قلوب پاک و مقدسند هر دو نزد حق مقبولند. خداوند نظر به لون یا جنس افراد ندارد جمیع الوان نزد حق یکسان است خواه سفید خواه سیاه خواه زرد زیرا کل بصورت و مثال الهی خلق شده و جمیع آثار مختلف صنع یزدانی هستند ما باید به این حقیقت واقف و به این معنی متذکر و متوجه باشیم" (ترجمه). "در پیش خدا سفید و سیاه نیست جمیع رنگها رنگ واحد است و آن رنگ عبودیت الهی است. هر رنگ حکمی ندارد، قلب حکم دارد. اگر قلب پاک است سفید یا سیاه هیچ لونی ضرر نرساند. خدا نظر به الوان ننماید، نظر به قلوب نماید. هر کس قلبش پاکتر بهتر، هر کس اخلاصش نیکوتر خوشتر، هر کس توجهش به ملکوت ابهی بیشتر پیشتر. الوان در عالم وجود هیچ حکمی ندارد"

(ساخت فوق ص ۷۸-۷۹)

د- تبلیغ ملل و اقوام

هر فردی از شرکت کنندگان در این جهاد روحانی که اجناس و احزاب و طبقات و مسالك و جمهوریات نیمکره غربی را بتمامه در بر دارد باید با ملاحظه اهمیت امر و حصول موجبات توجه افراد سیاه و هندی و اسکیمو و یهود را بالاخص به تعالیم الهیه معطوف و وسائل هدایت و استظلال مطلق آنانرا در ظل شریعت ربانی فراهم سازد. در حال حاضر هیچ امری مقبولتر و هیچ خدمتی به آستان مقدس یزدانی لایقتر و شایسته‌تر از آن نیست که در جلب و جذب ملل و شعوب و اجناس و اقوام مذکوره و ورودشان در دانه امرالله سعی مشکور مبذول و از این رو تعداد مستظلمین در ظل کلمه‌الله متزاید و بر تنوع اعضاء جامعه بهائی امریک افزوده گردد. اجتماع و بهم پیوستگی این عناصر مختلفه و نحل و قبائل متنوعه و امتزاج و امتشاجشان در ظل وحدت و اخوت عمومیه الهیه و انجذاب و اجتذابشان بمدد قوه محرکه نظم اداری شریعت رحمانیه که بهشیت قدسیه صمدانیه تاسیس گردیده و تادیبه هر يك سهم خویش را در تقویت و تجلیل حیات جامعه بهائی فی الحقیقه موفقیت عظیمی است که تصور و تدبیر آن قلب هر بنده مشتاق را قرین مسرت و ابتهاج مینماید.

احساس من آنست که هر يك از یاران الهی که در آن اقطار به خدمت امرالله قانم و به اعلاء کلمه‌الله مالوف خواه از مبلغین سیار و یا مهاجرین مقیم باید پیوسته این نکته دقیق را نصب العین خویش قرار دهد و در تنفیذ و اجراء آن کمال همت مبذول دارد که با طریقی محبت آمیز با جمیع اهالی از اعالی و ادانی از هر طبقه و ملت و قوم و قبیلت محشور کرده و خود را با افکار و احساسات و آداب و شوون و عقائد و مسالك آنان آشنا سازد و احسن وجه و اتقن طریق برای تماس و مصاحبه با آنان را مطالعه کند و برگزیند و بکمال صبر و استقامت و حکمت و متانت توجه خویش را معطوف معدودی نماید که استعداد و شایستگی خود را برای پذیرش تعالیم الهی ظاهر ساخته‌اند آنگاه با ابراز محبت و

صمیمیت حقیقی روح عشق و حرارت و انجذاب و اشتعال در قلوب طالبان القاء نماید تا نفوس مقبله مطمئنانه بنوبه خویش قیام کنند و بنفسهم منادی دین الله و مروج کلمه الله در اوطان و دیار خود گردند.

(ظهور عدل الهی ص ۱۲۵-۱۲۶)